

تحلیل جرم توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران و عربستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی حقوق بشری

تاریخ دریافت: ۹۹/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۲۶

نوع مقاله: پژوهشی

محمدقاسم ناظریان^۱محسن رهامی^۲صادق مرادی^۳

چکیده

زمینه و هدف: یکی از دغدغه‌های مطرح در سطح جوامع دینی الهی و غیر الهی، توهین به مقدسات دینی می‌باشد که به دلیل رشد فزاینده‌اش در چند دهه اخیر به بحثی چالش برانگیز در مجامع بین‌المللی و مخصوصاً اسلامی تبدیل شده است. با وجود این، در پژوهش‌های فقهی و حقوقی انجام شده، بحث چندان زیادی پیرامون آن وجود ندارد و از آنجا که حقوق ایران و عربستان برگرفته از فقه اسلامی می‌باشد، لازم است از لحاظ فقهی در منابع موجود از مذاهب اسلامی به تعریف و تبیین ارکان این جرم و معیار مجازات توهین به مقدسات پرداخته شود. همچنین، بررسی تطبیقی توهین به مقدسات در اسناد بین‌المللی حقوق بشری نیز ضروری به نظر می‌رسد.

روش‌شناسی: نگارندگان با روش تحلیلی- توصیفی به تشریح ارکان سه‌گانه جرم توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران و عربستان پرداخته‌اند.

یافته‌ها: در حقوق کیفری عربستان، مجازات اعدام صرفاً برای سب‌کننده پیامبر (ص) و سایر پیامبران الهی (ع) در نظر گرفته شده است. همچنین، نگارندگان با مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی حقوق بشری دریافتند که جرم‌انگاری توهین به مقدسات اسلامی و ضمانت اجرای مجازات اعدام مخالف با موازین اسناد بین‌المللی حقوق بشری نیست.

نتیجه‌گیری: در حقوق کیفری ایران دشمنانم سخت به پیامبر (ص) و سایر پیامبران الهی (ع) راساب النبئی تلقی نموده و همچنین، اگر این رفتار در مورد ائمه معصومین و حضرت فاطمه (س) واقع گردد، در حکم سب النبئی (ص) در نظر گرفته شده است که مستوجب اعدام خواهد بود؛ ولی توهین به انبیاء عظام و مقدسات اسلامی که جنبه سب و لعن نداشته باشد، واجد مجازات تعزیری است.

واژگان کلیدی: توهین به مقدسات، سب نبی، فقه شیعه، فقه حنبلی، اسناد بین‌المللی حقوق بشری.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. nazerian.m@yahoo.com

۲. دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). rahamioffice@gmail.com

۳. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Sadeghmoradi.law@gmail.com

مقدمه

توهین به مقدسات، از جمله موضوعات بسیار مهمی است که در قوانین موضوعه تعدادی از کشورها، از جمله نظام حقوقی ایران و عربستان و فقه شیعه و سنی و اسناد بین‌المللی مکتوب گشته است. دایره شمول توهین به مقدسات که در اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی کشورهای ایران و عربستان، قرآن کریم و روایات ذکر گشته، می‌توان به مواردی اطلاق کرد که مورد احترام جامعه بین‌المللی و یا اسلامی هستند. هرچند که در باب توسعه دایره مقدسات در تعیین مصادیق در سطوح پایین‌تر، اختلاف عقیده و سلیقه نیز قابل مشاهده می‌باشد. اعتقاد به مقدسات از همان آغاز تشکیل جوامع ابتدایی وجود داشته و واژه‌ی مقدسات هم قابل توسعه و هم قابل تضییق است.

از این رو، اگر محدوده آن مشخص نباشد و یا مصادیق آن به طور واضح معین نگردد، فرصتی می‌شود تا بعضاً، حکومت‌هایی از آن در مقابل مخالفین خود استفاده نمایند. در ایران که روابط حقوقی آن بر پایه قوانین اسلامی نهادینه شده، مقدسات دینی مورد حمایت حقوقی قرار گرفته و توهین به مقدسات از جرایم مهم به شمار می‌رود. علاوه بر این، از دیدگاه بسیاری از فقهای شیعه و اهل سنت توهین به سایر پیامبران الهی نیز جرم محسوب می‌گردد.

از این رو، نگارندگان در این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات هستند که ارکان جرم توهین به مقدسات حقوق کیفری ایران و عربستان چیست؟ جرم توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران و عربستان در چه موارد مجازات اعدام را دارد؟ آیا سیاست کیفری تقنینی ایران و راهکارهای اتخاذی در برخورد با توهین به مقدسات از کارایی لازم برخوردار است؟ آیا جرم‌انگاری توهین به مقدسات اسلامی و ضمانت اجرای مجازات اعدام مخالف با موازین اسناد بین‌المللی حقوق بشری است؟

۱. رکن قانونی جرم توهین به مقدسات

وقتی می‌توان از رکن قانونی جرم نام برد که قانون‌گذار طی ماده یا موادی هم آن موضوع را در قانون جرم‌انگاری کرده و هم برای آن در قانون ضمانت اجرای کیفری تعیین کرده باشد.

۱-۱. رکن قانونی جرم توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران

عنصر قانونی جرم توهین^۱ به مقدسات در حقوق کیفری ایران، ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۲۶ قانون اصلاحی مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ است.

در قوانین موضوعه ایران تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در سال ۱۳۷۵، مقررات روشنی در خصوص توهین به مقدسات مذهبی وجود نداشت؛ حال آنکه این موضوع با توجه به اسلامی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار است. به استثناء موردی که توهین به وسیله نشریات و مطبوعات انجام می‌شد که مطابق قوانین مطبوعاتی مجازات می‌شد (ماده ۲۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹)، در سایر موارد این خلاء قانونی محسوس بود که با تصویب قانون تعزیرات در سال ۱۳۷۵، این مشکل تا حد زیادی حل گردید.^۲

ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس به مقدسات اسلام یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید، اگر مشمول حکم سب النبی باشد، اعدام می‌شود و در غیر این صورت، به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد».

۱. قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ روزنامه رسمی شماره ۱۶۲۸۱ - مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۵ مقرر شده است: «آیا منظور از عبارت اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی از جمله مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸ و ۶۰۹ ق.م.ا. و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات عبارت است از بکار بردن الفاظی که دلالت صریح بر فحاشی و سب و لعن دارد یا خیر؟ و در صورت عدم صراحت مطلب و انکار متهم بر قصد اهانت و هتک حرمت، آیا موضوع از مصادیق مواد مورد ذکر می‌باشد یا خیر؟ نظر مجلس: «از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و... عبارت است از بکار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکتی که با لحاظ عرفیات جامعه و یا در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد». قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ چهارم دی ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده است».

۲. هر چند که همین قانون مذکور دارای نارسایی‌هایی نیز است که می‌توان به عدم ارائه مفهوم دقیق از مقدسات مذهبی و همچنین، سکوت نسبت به توهین به مراجع تقلید نام برد.

ماده ۲۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ مقرر شده است: «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجراء و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد».

در تحولات تقنینی جدید ایران در فصل پنجم از کتاب حدود قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سب النبى به عنوان جرمی مستقل جرم‌انگاری شد و قانون گذار فصل جدیدی را باز کرد که قبل از آن در هیچ قانونی وجود نداشت و از طرف دیگر، فصل دوم از کتاب تعزیرات که مربوط به اهانت به مقدسات مذهبی است، همچنان باقی است.

ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه و آله وسلم و یا هریک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند، سب النبى است و به اعدام محکوم می‌شود». تبصره- قذف هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام و یا حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها یا دشنام به ایشان در حکم سب نبی است.

لازم است ابتدا سب و تفاوت آن با توهین را تبیین نماییم. برخی سب را معلق به شناخت عرف دانسته و مرجع بازشناسی آن را جامعه معرفی کرده‌اند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۵۴)؛ برخی از فقها شتم را اخص از سب دانسته‌اند (لاری، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۴۱). در واقع، سب، هر عمل و واژه‌ای است که باعث اهانت بوده، تنقیص و ناراحتی را در بر داشته باشد. به صورت کلی، هر آنچه که باعث آزار روحی طرف مقابل شود، می‌تواند مصداق سب باشد. خواه با لفظ باشد و یا اشاره از سوی دیگر (دهقان عقیفی، ۱۳۹۹: ۱۶۶). با این اوصاف، نسبت بین توهین و سب عموم و خصوص مطلق است و توهین اعم از سب می‌باشد، یعنی هر سبی توهین قلمداد می‌شود؛ زیرا در مفهوم سب و هن‌آوری و موجب کسر شان بودن شرط است، لیکن هر توهینی سب تلقی نمی‌گردد (شکری، ۱۳۹۶: ۶۳۶).

رابطه منطقی بین توهین و قذف نیز عموم و خصوص مطلق است، زیرا هر قذفی بیانگر توهین است؛ ولی هر توهینی قذف نیست، چون قذف نسبت دادن اعمالی مانند زنا، لواط به دیگری است و از جمله حدود شرعی تلقی می‌شود.

در مورد تفاوت سب با قذف نیز باید گفت که سب معنای واحدی ندارد و به هر آن چه

که سبب کم شدن شخصیت و ریختن آبرو شود را گویند. مخاطب قذف عام است و ممکن است که هر کسی واقع شود، ولی در بحث سب، فقط پیامبر و پیامبران و امامان معصوم (ع) و حضرت فاطمه است. اما اگر مخاطب قاذف، پیامبر باشد، حتما سب النبى نیز می‌باشد؛ زیرا نسبت زنا و لواط هم نوعی دشنام به حساب می‌آید. پس مفهوم قذف عام‌تر و قذف پیامبر نیز زیر مجموعه سب تلقی می‌شود. به همین دلیل، اگر کسی پیامبر را قذف کند، احکام سب النبى در مورد وی جاری می‌شود، نه احکام قذف (بهمن پوری، حقانی خواه و علیشاهی قلعه جوقی، ۱۳۹۸: ۶۳). به نظر نگارندگان می‌توان گفت قذف و لعن از مصادیق بارز سب است و قذف اخص از دشنام و ذکر خاص بعد از عام هست و نیز قانون‌گذار با یای عطف میان واژگان دشنام و قذف ارتباط برقرار نموده است؛ بنابراین، این موارد مجازات اعدام را دارد، چنانچه شخصی توجه به این الفاظ نداشته باشد، سب النبى محسوب نمی‌شود و در شرایطی همچون مستی و غضب و نقل قول از دیگری مستنداً به تبصره ماده ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه شلاق را دارد؛ اما اگر موارد مطرح شده در بالا هم تحقق پیدا نکند، باز هم در دایره توهین هست. بنابراین، اگر فردی توهین عادی کرد، مطابق ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات مجازات، زندان را دارد؛ در این خصوص باید گفت ماده ۵۱۳ ماده ۲۶۲ را جهت روشن شدن مطلب باز نموده است.

در قانون مجازات اسلامی دو ماده (ماده ۲۶۲ کتاب دوم حدود مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۵۱۳ کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) در خصوص جرم توهین به مقدسات اسلامی وجود دارد، که یکی به طور خاص جرم سب النبى (ص) (ماده ۲۶۲) و دیگری به طور عام جرم اهانت به مقدسات را بیان کرده است. به عبارتی، ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تأسی از نظریه مشهور فقهای امامیه سب النبى را صرفاً به معنای دشنام سخت یا قذف و لعن نمودن دانسته است و سایر اقسام توهین همانند توهین عادی مشمول این ماده نخواهد بود و موضوع ماده ۵۱۳ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی است. بنابراین، اگر سب النبى مصداق خارجی پیدا کرد، فقط به شرط دشنام سنگین یا قذف و لعن نمودن مستوجب مجازات اعدام می‌باشد؛ با این اوصاف، ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۱۳ از کتاب پنجم تعزیرات را نسخ نکرده است و میان این ۲ ماده هیچ گونه تعارضی وجود ندارد. در حال حاضر نیز

طرحی در خصوص اهانت به ادیان و مذاهب قانون و اقوام ایرانی به عنوان الحاقی موادی به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) توسط نمایندگان مجلس در حال بررسی است.

۱-۲. رکن قانونی جرم توهین به مقدسات در عدالت کیفری عربستان

شریعت اسلامی در کشور عربستان از منابع مهم تقنینی محسوب می‌گردد و از آنجا که شریعت اسلامی در فقه نمود پیدا می‌کند و مذهب رسمی عربستان سعودی، حنبلی است، بنابراین، منابع اصلی و مهم حقوق در عربستان، فقه، بر اساس مکتب حنبلی می‌باشد. در این مکتب، «حدیث»، «اجماع صحابه» و «قول صحابه» که موافق کتاب و سنت باشد، از جمله ادله تشریح قرار گرفته و به «قیاس»، مگر در موارد ضرورت، توجهی نشده است (ابن‌قیم‌جوزیه، ۱۹۹۳م، ج ۱، ۴۰-۳۶).

در نظام حقوقی عربستان بدون آن که اقدامی در جهت قانونی بخشیدن به احکام خام فقهی صورت بگیرد، قضات بنا بر تخصصی که در دانشگاه‌های اسلامی کسب می‌کنند، موظف به رجوع به متون فقهی مشخصی هستند. البته، مشخص است که قضات در خصوص مسائل مستحدثه امکان رجوع به متون فقهی نداشته و باید با رجوع به قوانین و نظامات مصوب مربوطه حکم قضیه را صادر نمایند. در واقع، رسیدگی به مسائلی که در فقه حنبلی بنا بر اقتضای زمانه اشارتی بدان نشده، باید بر اساس قوانینی که توسط مجلسین شورا و وزرا تهیه شده و به تصویب نهایی پادشاه رسیده، حل و فصل شود.

نکته مهم اینجاست که نوعی رفتار دوگانه که هر کدام واجد ثغور مشخص و دقیقی است، در نظام حقوقی این کشور مشاهده می‌شود؛ از یک سو، رجوع به متون خام فقهی در موارد مرتبط و مشخص و از سوی دیگر، رجوع به قوانین تازه تصویب در مسائل مستحدثه. آن گونه که گفته شد، حقوق جزا در کشور عربستان فاقد متون قانونی مدون است. هیئت المراقبه القضائیه به عنوان یک نهاد قضایی در ۱۳۴۷ قمری طی مقرره‌های ابراز داشت که احکام صادره از تمامی محاکم باید بر اساس مذهب امام احمد حنبل باشد و البته، این مقرره اجازه داد در صورتی که فتوای امام احمد باعث مشقت و یا خلاف مصلحت عمومی باشد، بر اساس مذهب دیگری رأی صادر شود (محمصانی، ۱۹۵۷: ۳۳۶). این نهاد قضایی چندین منبع فقهی

مربوط به مذهب حنبلی را به عنوان منبع معتبر احکام قضایی به ترتیب اولویت معرفی کرد:

۱. منتهی الارادات، متن: شیخ الفتوحی (متوفی ۹۷۲) و شرح شیخ منصور البهوتی (متوفی

(۱۰۵۱)

۲. الاقناع، متن: شیخ موسی الحجاوی (متوفی ۹۴۸) شرح (کشاف القناع عن متن الاقناع):

منصور بن یونس البهوتی.

۳. زاد المستقنع: للحجاوی و شرح آن: الروض المربع شرح زاد المستقنع فی اختصار المقنع

: منصور بن یونس البهوتی.

۴. دلیل الطالب لنیل المطالب: متن: شیخ مرعی بن یوسف المقدسی الحنبلی (متوفی

۱۰۳۲) و شرح آن، منار السبیل: شیخ ابراهیم بن محمد الضویان (متوفی ۱۳۵۳).

۵. المغنی: موفق الدین عبدالله بن قدامه (متوفی ۶۲۰).

۶. الشرح الكبير (المسمى بالشافی شرح المقنع فی الفقه الحنبلی): عبدالرحمن بن قدامه

(متوفی ۶۸۲) (آل دریب، ۱۴۱۹: ۲۹۲ - ۲۹۳).

این مصوبه در احکام مدنی و جزایی جاری است، اما در عبادات، سعودیها طبق مذهب

خویش اقدام می کنند (محمصانی، ۱۹۵۷: ۳۳۷). همچنین، در این مقرر مصوب شد در

صورتی که دعاوی مربوط به مساقات و اجاره نخلها و ارث و وقف بود، بر اساس مذهب غالب

در مکانی که دعوی در آن اقامه شده، واگذار خواهد شد (آل دریب، ۱۴۱۹: ۲۹۲ - ۲۹۳).

بر این اساس است که قانونگذاری در این کشور در خصوص نظام ماهوی مدنی و کیفری

تاکنون شکل مدون به خود نگرفته و قضاوت به عنوان یک عمل شرعی با رجوع مستقیم و

بی واسطه قاضی به منابع فقه حنبلی صورت می گیرد. این رجوع به شرع نیز از صلاحیت های

اجباری قاضی است و نه صلاحیت اختیاری وی؛ از این روست که در قانون نظام القضا مصوب

۱۴۲۸ که بیانگر ساختار قضایی در عربستان است، تحصیل در دانشکده های شرعی برای

ورود به عرصه ی قضا لازم دانسته شده است. بنابراین، با عنایت به مطالب گفته شده باید

عنصر قانونی جرم توهین به مقدسات را در منابع فقهی این کشور به خصوص فقه حنبلی مد

نظر قرار دهیم و قضات و حکام شرع در این کشور با رجوع به فقه در تعیین مجازات حسب

مورد اقدام می نمایند.

با این وصف باید بررسی توهین به مقدسات را در رویه قضایی و فقه حنبلی مورد جستجو قرار داد که مجازات برای توهین به مقدسات شامل حبس، جریمه نقدی، شلاق و ممکن است شامل اعدام نیز بشود. در مجموع، در راستای عنصر قانونی جرم توهین به مقدسات می‌توان بیان داشت که در عربستان و در فقه حنبلی، اهانت به خداوند و پیامبر (ص) و نیز سایر پیامبران الهی و کتب آسمانی مستوجب کفر می‌باشد. همچنین، در عربستان هر کسی به صحابه پیامبر (ص) دشنام دهد، فاسق می‌باشد و تعزیر می‌شود و برخی از علماء حنبلی او را کافر می‌خوانند و احکام مرتد را خواهد داشت و در این زمینه، حنبله کیفر اعدام را برای فرد مرتد قائل شده‌اند و به طور کلی، حکام شرع سعودی با توجه به کتب فقهی و فتوی علماء در هر مساله ممکن است احکام سنگین و متفاوتی را صادر نمایند. به هر جهت، شیوه سنتی رسیدگی همچنان در عربستان وجود دارد.

در کشور عربستان برای حیثیت و شرافت مقدسات، اهمیت خاصی قائل می‌باشند و مستندشان در جهت مذمت توهین به مقدسات، آیات قرآن کریم در آیه اول سوره همزه و در آیه ۱۴۷ سوره نساء است و ساب‌النبی (ص) را مرتد دانسته و تنها سب‌کننده پیامبر (ص) و سایر پیامبران الهی (ع) را به مجازات اعدام محکوم می‌کنند و هر کس به یکی از اصحاب پیامبر، همسران، اهل بیت او دشنام دهد، کشته نمی‌شود؛ بلکه تعزیر می‌شود. بنابراین، فقهای مذهب حنبلی بر این عقیده‌اند که اهانت به خداوند و یا پیامبر اسلام، صلی الله علیه و آله، و یا دیگر پیامبران الهی، علیهم السلام، و یا کتب آسمانی، مستوجب کفر است (المقدس، ج ۱۰، بی تا: ۷۵).

اما از آنجایی که مذاهب دیگر نیز در کنار مذهب حنبلی جهت صدور فتوا و صدور آراء قضایی مورد توجه هستند، بطور خلاصه نظریات مذاهب دیگر نیز در مقاله اشاره می‌شود: فقهای مالکی بر این عقیده‌اند که توهین و دشنام به خداوند یا پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، و یا دیگر پیامبران الهی، علیهم السلام، مستوجب قتل است. بنابراین، فقهای مالکی صراحتاً توهین به سایر پیامبران الهی (ع) را نیز داخل در مفهوم توهین به مقدسات اسلام دانسته‌اند (العدوی المالکی، ج ۲، ۱۴۱۲ق: ۴۱۳).

برخی از فقهای مذهب شافعیه نیز هر گونه اهانت به قرآن، خداوند، پیامبر گرامی اسلام



(ص) و یا دیگر انبیای الهی، علیهم السلام، را که توسط کافر ذمی صورت گرفته باشد، موجب نقض قرارداد ذمه دانسته‌اند (البته، در صورتی که در پیمان ذمه چنین شرطی قید شده باشد) (شریعی خطیب، ج ۴، ۱۴۰۵ ق: ۳۵۸).

اما حنفیه بر این باورند که اهانت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، توسط کافر ذمی موجب مجازات نیست، بلکه فقط از این عمل نهی خواهد شد؛ زیرا توهین کافر ذمی به پیامبر اسلام (ص) صرفاً زیادت بر کفر است و بدین جهت مستحق مجازات نیست (الکاشانی ابوبکر، ۱۹۸۲ م: ۱۱۳).

۲. رکن مادی جرم توهین به مقدسات

دومین رکن جرم، رکن مادی است؛ رکن مادی، رکن واقعی و عینی جرم است. اصطلاح «رکن مادی»، ساخته و پرداخته حقوق کیفری است و هیچ‌گاه در قوانین جزائی از آن استفاده نشده است (آقایی‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۲)؛ منظور از آن یعنی پدیده‌ای که در دنیای دور و بر می‌توان آن را مشاهده کرد و نشان داد و یادست کم پیامدهای آن را دید. رکن مادی، مجموعه‌ای از اجزا و شرط‌های مادی و بیرونی است که با وجود آن‌ها جرم در جهان بیرون پدیدار می‌شود و بر حسب نوع جرم‌ها، این اجزا و شرط‌ها متفاوت است (منصورآبادی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۲۲۸).

۲-۱. رکن مادی جرم توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران

توهین به مقدسات اسلامی، در برخی مقررات نیز تابع ویژگی‌های خاصی است؛ مثلاً برخلاف توهین ساده که همیشه بزه‌دیده خاصی دارد، اهانت به مقدسات جزء جرایم بدون بزه‌دیده محسوب می‌شود. در واقع، توهین به مقدسات از جمله جرایمی است که شخص حقیقی یا حقوقی معینی مستقیماً از وقوع آن‌ها متضرر نمی‌شود. به عبارت دیگر، منظور جرایمی است که بزه‌دیده مستقیم ندارند و در اینجا، مخاطب توهین‌کننده ممکن است ذات اقدس الهی، اشیاء و اماکن مقدس و اعتقادات مقدس باشد. لذا توهین به مقدسات برخلاف توهین ساده (که دارای بزه‌دیده مستقیم است) از جرایم بدون بزه‌دیده بوده که تعقیب آن نیازی به شکایت شاکی خصوصی ندارد (رهمی، ۱۳۸۷: ۴۶).

منظور از مقدسات اسلام، در درجه اول ذات باری تعالی و پس از آن همه مکان‌ها، چیزها و اشخاصی هستند که از لحاظ موازین اسلام، مقدس و قابل احترام محسوب می‌شوند، مثل قرآن کریم یا کعبه یا مزار پیامبر و امامان «علیهم السلام» و با شخصیت‌های مورد احترام سایر مذاهب که از نظر اسلام هم واجب‌التعظیم هستند. به طور مثال می‌توان از حضرت مریم یا هاجر «سلام... علیهما» یا شخصیت‌های اسلامی مثل حضرت ابوالفضل، علی اکبر، حمزه، زینب یا خدیجه «علیهم السلام» نام برد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۵۰۹). البته، حقوق‌دانان دیگری تشخیص مقدسات اسلام را با نظر فقها و عرف دانسته‌اند (رهامی و پرویزی، ۱۳۹۲: ۱۵) و دایره شمول آن را محدودتر می‌دانند، اما در تحلیل واژه مقدسات و مصادیق آن یک نظر همان نظر مورد اشاره در صدر مطلب می‌باشد که قابل نقد است و می‌توان با توجه به تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم، مقدسات اسلامی را محدود به مصادیقی دانست که مورد اتفاق تمامی مسلمین است؛ حتی در مورد حضرت ابوالفضل یا حضرت معصومه و... چنانچه از متعلقات اهل بیت بدانیم، از موارد توهین به مقدسات خواهد بود.

در یک ضابطه کلی می‌توان گفت هر آن چه از دیدگاه اسلام در شمار مسائل ضروری و قطعی قرار گیرد، توهین به آن جرم است؛ مانند توهین به کعبه و سایر پیامبران الهی و مقدسات ضروری اسلام؛ اگرچه از نظر میزان مجازات با هم تفاوت دارند (بهمن پوری و حقانی خواه، ۱۳۹۷: ۴۳).

همچنین برخی معتقدند مقدسات دینی، افراد، اشخاص، مفاهیم، نهادها و نمادهای مورد احترام باورمندان دینی است که اهانت به آنها موجب برانگیختگی عاطفی اعضای آن جامعه گردیده و می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای افراطی و مخاطرات جدی امنیتی در سطح ملی و بین‌المللی گردد (توکلی، آقابابایی و شاه‌ملک‌پور، ۱۳۹۴: ۴۹).

در تشخیص مصادیق مقدسات می‌توان بیان داشت که در دین مبین اسلام نیز برخی از امور مانند: ذات بار تعالی، نبوت، معاد و... به‌عنوان مقدسات دینی شناخته می‌شوند که از احترام ویژه‌ای برخوردارند و از این رو، هتک حرمت به آن‌ها را اسلام جایز نمی‌داند. گفتنی است که اهانت به مقدسات در اسلام از موضوعات مهم فقهی بوده و دارای ابواب مختلفی است که در محورهای وجوب تعظیم شعائر و حرمت هتک محترمت مورد کنکاش قرار گرفته است که در

فقه و روایات به هر کدام از آن‌ها اشاره شده است. مقدسات که هتک آن‌ها مورد نکوهش قرار گرفته است را به طور کلی می‌توان این‌گونه برشمرد: اهانت به اصول دین، خدای سبحان که مقدس‌ترین مقدسات نزد مسلمانان است که از منظر همه مذاهب اسلام واجب القتل است (چاوشی و احمدی، ۱۳۹۱: ۷).

در مجموع توجه به اطلاق مقدسات اسلام، به نظر می‌رسد منظور از مقدسات اسلام، اموری باشد که تمامی مذاهب اسلامی در مقدس بودن آن اتفاق نظر داشته باشند، مانند ذات اقدس الهی، وحدانیت خدا، قرآن مجید و... بدین ترتیب، اموری که مقدس بودن آنها مورد اختلاف مذاهب متعدد است، مشمول ماده ۵۱۳ ق.م.ا.نخواهد شد. قرینه‌ای که برای این مطلب وجود دارد، آن است که ماده ۵۱۳ ق.م.ا.پس از به کار بردن این واژه (مقدسات اسلام) دو مورد از مقدسات اختصاصی شیعه را به صورت خاص بیان کرده است و آن اهانت به ائمه طاهرین و حضرت صدیقه طاهره است و اگر عنوان توهین به مقدسات اسلام شامل موارد اخیر هم می‌شد، دیگر ضرورتی به ذکر آن در ماده مورد بحث وجود نداشت (رهامی و پرویزی، ۱۳۹۲: ۱۶). این نظر با اصول حقوقی من جمله اصل تفسیر به نفع متهم و قاعده درأ نیز سازگار است. در مورد مقدسات غیراسلامی چنانچه با مقدسات اسلامی رابطه لازم و ملزومی (یعنی اینکه آن‌ها نیز جزء مقدسات اسلامی هم محسوب شود) داشته باشد، می‌شود آن را در حکم مقدسات اسلامی دانست.

علاوه بر این، اهانت به مقدسات اسلامی برخلاف توهین ساده، فقط جرمی علیه افراد ساده نیست، بلکه اعتقادات و اماکن متبرکه نیز ممکن است موضوع این جرم قرار گیرند؛ اما باید میان این امور و اساس اسلام رابطه لازم و ملزومی وجود داشته باشد، به گونه‌ای که اهانت به آن‌ها اهانت به اساس اسلام تلقی گردد. نکته دیگر «در مورد عمل ارتكابی توهین این است که وسیله در توهین، شرط نیست، مگر در مورد جرایم مطبوعات که از طریق وسیله خاص، یعنی مطبوعات صورت می‌گیرد (آقایی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۱).

در رابطه با تفسیر انببای عظام اختلاف وجود دارد. در این خصوص باید بیان داشت که عظام صفت توضیحی است و همه پیامبران الهی را شامل می‌شود. در واقع، قانون‌گذار قصد خارج نمودن عده‌ایی از پیامبران را ندارد؛ بنابراین، اگر فردی قبور متبرکه که حضرت شوش

دانیال یا حضرت یوسف را مورد اهانت قرار دهد و معتقد باشیم که این قبور منتسب به این پیامبران هست، باید مجازات را در نظر داشت. برخی معتقد هستند که منظور از انبیا عظام، پیامبرانی هستند که نام یکصد تن از آن‌ها در قرآن آمده است (پیمانی، ۱۳۹۲: ۷۹). در مقابل، برخی بر این عقیده هستند که همه انبیای الهی مشمول این حکم نیستند، بلکه منظور از انبیای عظام، پیامبران اولوالعظم هستند که عبارتند از حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و حضرت محمد «ص» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۶۴). البته، اگر بخواهیم تفسیر به نفع متهم داشته، نظر اخیر مورد توجه هست؛ اما با عنایت به شرحی که در ابتدا بیان شد، باید توضیحی بودن واژه عظام را در نظر داشت.

۲-۲. رکن مادی جرم توهین به مقدسات در عدالت کیفری عربستان

«احمدبن حنبل» سنت را حاکم بر قرآن دانسته و در فتاوی خود بر احادیث و فتاوی صحابی تکیه می‌زد. معنای صحابی در نزد احمد، معنایی فراگیر داشت و هر که را، ولو در ساعتی با پیامبر به سر آورده بود، به او صحابی گفته می‌شد. مسلمانی که به صحابی دشنام می‌داد، در نگاه او اسلام صحیحی نداشت. احمد حنبل، حدیث مرسل و ضعیف را معتبر دانسته و آن را بر قیاس برتری می‌داد. کاربرد قیاس در نزد او تنها در زمان ضرورت روا بود. حنبلیه در جایی استفاده از حدیث ضعیف را جایز می‌شمارد که با قرآن و سنت تعارضی نداشته باشد (مرداوی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ۲۱۵۲-۲۱۳۶).

در سال ۱۹۲۸ میلادی، قوه قضاییه حکمی را صادر کرد که اصل و مبنا در قضاوت، آراء و فتاوی «احمدبن حنبل» است و در موارد عدم فتوا و نصی از او، به فتاوی سایر مذاهب عمل می‌شود. البته، در مواردی که تطبیق فتاوی احمدبن حنبل در مناطقی با مشکل مواجه شود و مخالف با مصلحت عمومی باشد، به مقتضای سایر مذاهب عمل می‌شود (محمصانی و محمد الخطیب، ۱۹۶۲م، ۳۶۶-۳۶۴). در اصول متعدد قانون اساسی عربستان، از شریعت اسلامی به عنوان منشأ و منبع تقنینی این کشور یاد شده است. علاوه بر اصل ۴۵ قانون اساسی عربستان که با صراحت می‌گوید: «در پادشاهی عربستان سعودی کتاب خدا و سنت پیامبر خدا منشأ صدور فتوا می‌باشند»، اصول دیگری عنوان کلی مذهب یا شریعت اسلامی

را منبع تقنین می‌داند؛ مانند حمایت دولت از حقوق بشر بر اساس شریعت اسلامی (اصل ۲۶)، جرائم و مجازاتها (اصل ۳۸) و غیره.

در عربستان، توهین به مقدساتی را ساب‌النبی تلقی می‌کنند که سب‌کننده شخص پیامبر خاتم (ص) و سایر پیامبران الهی (ع) را سب نماید، ولی توهین به اصحاب پیامبر و همسران پیامبر از جمله عایشه را در حکم ساب‌النبی تلقی نمی‌کنند، اما تعزیر دارد. تخریب قبور اهل بیت از مصادیق بارز توهین به مقدسات است که متاسفانه در گذشته در این کشور رخ داد و خشم بسیاری از مسلمین را برانگیخت.

۳. رکن معنوی جرم توهین به مقدسات

رکن معنوی جرم از یک نیروی درونی/باطنی و نفسانی سرچشمه می‌گیرد و این نیروی نفسانی همان توانمندی ادراک/تمییز و اراده/اختیار انسانی است؛ البته، ادراک و اراده فعلیت یافته، رکن معنوی و روانی هر جرم را تشکیل می‌دهد، یعنی اراده‌ای که به نحو ایجابی یا سلبی به ارتکاب جرم تعلق گرفته باشد؛ به این ترتیب که مرتکب با علم و اطلاع از وصف عدم مشروعیت و غیرقانونی بودن رفتار، فکر و اندیشه خود را متوجه ارتکاب جرم و رفتار مجرمانه نموده باشد (قیاسی، ساریخانی و خسروشاهی، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

۳-۱. رکن معنوی جرم توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران

در تشریح عنصر معنوی جرم توهین به مقدسات در حقوق ایران و تعیین سوءنیت عام و خاص جرم مذکور باید گفت سوءنیت عام جرم مذکور، عمد در توهین است و آگاهی توهین‌کننده نسبت به موهن بودن رفتار، شرط است و قصد تحقیر و کوچک کردن، سوء نیت خاص توهین به مقدسات است. بنابراین، بی‌توجهی و اظهار مبتنی بر اشتباه، مشمول جرم توهین به مقدسات مذهبی نیست. لیکن داشتن نیت خاص مثل قصد جریحه‌دار کردن احساسات عمومی یا بدبین کردن مردم نسبت به مبانی مذهبی یا برهم زدن نظم عمومی یا مقابله با نظام و نظایر آن‌ها ضرورت ندارد (رهایمی و پرویزی، ۱۳۹۲: ۱۶).

علاوه بر لزوم آگاهی توهین‌کننده نسبت به موهن بودن رفتار به همراه قصد تحقیر، شناخت

قداست و شخصیت اشخاص موضوع ماده ۵۱۳ ق.م.ا. لازمه اعمال مجازات‌های مذکور در ماده ۵۱۳ است. بنابراین، اگر کسی در اثر عدم شناخت و ضعف عقیده خیال می‌کند که یکی از معصومین مانند مجتهدین، خطا و اشتباه داشته‌اند یا چون زمان و مقتضیات آن تغییر کرده نمی‌توانیم روش آن حضرت را برای این زمان الگو قرار دهیم، در این حالت اهانت محسوب نمی‌شود (منتظری، ۱۳۸۰: ۷۸).

در جرم اهانت به مقدسات مذهبی، موضوع ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، علم مرتکب به موضوع نیز ضروری است، زیرا با توجه به گستردگی مقدسات مذهبی، علم و آگاهی مرتکب عمل به اینکه موهون جزء مقدسات مذهبی می‌باشد، لازم و ضروری است.

۳-۲. رکن معنوی جرم توهین به مقدسات در عدالت کیفری عربستان

در همه جرم‌های عمدی، تعلق اراده فرد به ارتکاب رفتار مجرمانه، شرط پدیدار شدن رکن معنوی است. رکن معنوی جرم‌های توهین به مقدسات، اراده ارتکاب (سوءنیت عام) و اراده پیدایش نتیجه (سوءنیت خاص) نیاز دارد. سوءنیت عام همان قصد ارتکاب رفتار مجرمانه است؛ یعنی اینکه مرتکب با آگاهی از اینکه رفتار ممنوعه و قابل مجازات است، تصمیم می‌گیرد که آن را انجام دهد. با این اوصاف، در سیستم عدالت کیفری عربستان نیز اگر فردی سوءنیت عام و خاص نداشته باشد، قابل کیفر نیست.

تصمیم‌گیری مرتکب برای انجام عمل، که فرع بر آگاهی او از ممنوعیت آن است، عمد و اراده او در انجام رفتار را تشکیل می‌دهد. به دیگر سخن، تعلق فکر و اندیشه مرتکب به انجام رفتار، سوءنیت عام را در درون او بر پا می‌دارد. سوءنیت عام یا اراده ارتکاب را می‌توان این گونه تصویر کرد که در عربستان توهین به مقدسات در رویه قضایی و فقه حنبلی ممنوع و جرم اعلام شده است، از این رو باید افراد رفتار موضوع این مقررہ کیفری را انجام ندهند و یا ترک کنند؛ حال اگر کسی با آگاهی از این امر و پی‌بردن به اراده شارع نظام کیفری عربستان، اراده خود را در برابر اراده او بکار برد و به توهین به مقدسات روی آورد، اراده سوء خود را آشکار ساخته و قابل مجازات است.

۴. جرم توهین به مقدسات در اسناد بین‌المللی حقوق بشری

در بیشتر اسناد بین‌المللی هرگونه تحریک مذهبی و هر عمل غیرقانونی و هر گونه دعوت (ترغیب^۱) به کینه (تنفر^۲) ملی، نژادی^۳ یا مذهبی^۴ ممنوع شده است. در این مقاله موادی از اسناد بین‌المللی که به این موضوع اختصاص داده شده‌اند، تبیین خواهد شد.

۴-۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ میلادی

دولت ایران، همانند اکثر قاطع اعضای سازمان ملل متحد، از اعضای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به شمار می‌رود. این میثاق، مهم‌ترین سند بین‌المللی است. در ارتباط با حوزه‌ی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، لازم به ذکر است که در قوانین بسیاری از کشورها این سند بین‌المللی اگرچه به داشتن آزادی انسان‌ها بها می‌دهد، ولی تأکید بر آن دارد که این آزادی‌ها نباید موجب ترغیب به کینه و تنفر ملی و مذهبی گردد و به جهت حمایت از حقوق مذهبی دیگران و یا حفاظت از نظم یا اخلاق عمومی^۵ نیز توهین به ادیان جرم تلقی شده و این جرم‌انگاری یا محدود به توهین به دین اکثریت می‌گردد یا اینکه توهین به همه ادیان را شامل می‌شود.

به هر حال، این قوانین که تنها دین اکثریت را مد نظر قرار داده‌اند، از جهت ویژگی تبعیض‌آمیزی که در ارتباط با سایر مذاهب دارند، مورد انتقاد شدید قرار گرفته و این انتقاد بیش از هر زمانی به هنگام پیگیری حقوقی موضوع انتشار کتاب آیات شیطانی در دادگاه‌های انگلستان مطرح بود.

در آن زمان، حقوق دانان مسلمان با استناد به قانون توهین به ادیان علیه انتشار کتاب مذکور اعلام جرم نمودند، اما با این توجیه که قانون انگلیس، تنها به توهین به کلیسای انگلیس مربوط می‌باشد، به شکواییه حقوق دانان مسلمان، ترتیب اثر داده نشد. جالب اینکه به دلیل

1. Persuasion.
2. Hatred
3. Racial.
4. Religiose.
5. General Ethics.

تبعیض‌آمیز بودن، بعضاً این گونه آرا از جمله رأی مربوط به سلمان رشدی به دادگاه اروپایی حقوق بشر ارجاع داده شد. با این وجود، دادگاه اخیرالذکر نیز ضمن اینکه تبعیض‌آمیز بودن حکم را منتفی ندانسته، حکم را مورد تایید قرار داده است (هاشمی، ۲۰۰۸: ۴-۵).

۴-۲. منشور عربی حقوق بشر مصوب ۲۰۰۴ میلادی^۱

کشورهای عرب تبار، اگرچه دیرنگام به موازین حقوق بشری روی آوردند، اما انتشار «منشور عربی حقوق بشر» نشان داد که آن‌ها در ساحت نظر حقوق بشر رانیکو داشته و نیک بدان پرداخته‌اند. فزونی شمار حق‌ها و تفصیل تبیین آن در این منشور نسبت به سایر همتایان خود گواهی بر این مدعاست. ماده سی‌ودوم این منشور حق بر آزادی بیان را چنین بیان کرده است: منشور حاضر حق اطلاعات و آزادی عقیده و بیان شامل آزادی جست‌وجو، دریافت و انتقال اطلاعات به هر وسیله‌ای، صرف نظر از مرزها را تضمین می‌کند. اعلامیه درباره محو همه‌ی اشکال تعصب است.

به طور کلی، اهانت به دین یا افترا به مذهب از جمله موضوعاتی می‌باشد که بارها توسط برخی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد تاکنون مطرح شده و در این راستا چندین قطعنامه غیرالزام‌آور درباره محکومیت «توهین به دین»، مورد رای گیری قرار گرفته و پذیرفته نیز شده‌اند که این قطعنامه‌ها از سوی سازمان همکاری اسلامی حمایت شده و این سازمان در صدد ممنوعیت بیان‌هایی می‌باشد که به نظر آن‌ها موجب دامن زدن به تبعیض، افراط‌گرایی و تصور نادرست است که موجب قطبی شدن و چنددستگی با پیامدهای «ناخواسته و پیش‌بینی نشده خطرناک» می‌گردند.

گروه‌های مذهبی، فعالان حقوق بشر، فعالان آزادی بیان و بسیاری از کشورهای غربی با چنین قطعنامه‌هایی مخالف کرده و اظهار نموده‌اند که چنین قطعنامه‌هایی منجر به یک قاعده بین‌المللی ممنوعیت به مقدسات خواهد شد. منتقدان قطعنامه از جمله گروه‌های حقوق بشری استدلال می‌کنند که چنین قطعنامه‌هایی موجب تقویت سیاست‌های داخلی^۲ برخی کشورها برای تقویت قوانین ضد توهین به مقدسات و قوانین ممنوعیت بدگویی از

1. arabic charter of Human Rights, 2004.

2. Domestic policies.

دین می‌شوند که در این کشورها برای زندانی کردن روزنامه‌نگاران، دانشجویان و دگراندیشان سیاسی استفاده خواهد شد.

از سال ۲۰۰۱ به این طرف، شکاف آشکاری میان جبهه کشورهای اسلامی و کشورهای در حال توسعه که از چنین قطعنامه‌هایی حمایت می‌کنند و دموکراسی‌های غربی که مخالف چنین قطعنامه‌هایی هستند، به وجود آمده است. در سالهای اخیر به علت افزایش مخالفت غرب و لابی‌گری گروه‌های دینی، مدافع آزادی بیان و حقوق بشری، حمایت از قطعنامه‌های ضد توهین به دین رو به افول است. برخی از کشورهای آفریقایی، اقیانوس آرام و آمریکای لاتین از رای موافق به قطعنامه ضد توهین به دین به رای ممتنع و یا از ممتنع به رای مخالف تغییر نظر داده‌اند.

در سال ۲۰۱۱، شورای حقوق بشر سازمان ملل در قطعنامه جدید خود از «حفاظت از اعتقادات»، به ارجحیت «حفاظت از باورمندان» تغییر سیاست داد. در مارس ۲۰۱۱، در قطعنامه جدید شورای حقوق بشر سازمان ملل، ارجحیت حفاظت از باورمندان و افراد نسبت به حفاظت از اعتقادات مطرح شد. در ژوئیه ۲۰۱۱، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، بیانیه‌ای ۵۲ صفحه‌ای، تفسیر عمومی را منتشر کرد. این بیانیه در مورد آزادی‌های عقیده و بیان است. طبق پاراگراف ۴۸، ممنوعیت عدم احترام به دین یا سیستم‌های اعتقادی شامل ممنوعیت توهین به مقدسات هستند. همچنین، این ممنوعیت‌ها بایستی مطابق با الزامات سختگیرانه ماده‌های ۱۹، پاراگراف ۳ و ماده‌های ۲، ۵، ۱۷، ۱۸ و ۲۶ باشند (خدادادی و داداش‌نژاد، ۱۳۹۷: ۴۴-۴۵). بنابراین، بر مبنای منشور عربی حقوق بشر، قوانین ملی و داخلی جواز در راستای تبعیضی به سود یا ضرر یک گروه دینی یا سیستم اعتقادی یا ارجحیت پیروان (یک دین بر دین دیگر) نخواهند داشت؛ ضمن اینکه این قوانین نباید برای جلوگیری یا مجازات رهبران دینی، تفاسیر آموزه‌های دینی یا اصول دین قرار بگیرند.

نتیجه‌گیری

در این رابطه اگر بخواهیم نتیجه‌گیری از موضوع تحقیق ارائه دهیم، ابتدا بایستی با رکن اصلی آن یعنی عنصر توهین آشنا شد. از مجموع آنچه که در کتب فرهنگ لغت و دانشنامه‌ها

پیرامون دو واژه توهین و اهانت وجود دارد، چنین استفاده می‌شود که هر گفتار، نوشتار و رفتاری که موجب تضعیف، سبک شمردن، حقیر و کوچک و خوار ساختن شخصیتی گردد، توهین است و هر قول و فعلی که باعث استخفاف، استهزاء، خوار و پست گردانیدن انسانی گردد، اهانت است. بدین بیان نتیجتاً، هر کاری که موجب تضعیف و سستی موقعیت و وجهی امری مقدس گردد و شأن و منزلت و حیثیت آن را سبک و ناچیز شمارد، توهین و اهانت محسوب خواهد شد. البته، باید اشاره داشت که تعریف مقبول و واحدی از توهین به مقدسات وجود ندارد و مصادیق آن در هر زمان و مکان و نزد هر جامعه و طائفه‌ای و هر آیین و مذهبی متفاوت خواهد بود که این موضوع خود ریشه در فرهنگ‌ها و برداشت‌های متفاوت در خصوص آن دارد. با وجود این، می‌توان در مقام یک تعریف اصطلاحی از توهین به مقدسات چنین گفت که توهین به مقدسات ناظر به بیانات و اعمالی است که محتوا و مضمون آن عرفاً به گونه‌ای تحقیرآمیز و اهانت‌بار نسبت به مقدسات گروهی از افراد در جامعه می‌باشد که این امر منطقیاً تحریک‌کننده احساسات منجر به خشونت از سوی باورمندان به آن خواهد بود. در حقوق کیفری ایران عناصر قانونی جرم توهین به مقدسات را می‌توان در مواد ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و ماده ۲۶ اصلاحی مطبوعات یافت. اهانت به مقدسات اسلامی در صورتی مشمول ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی خواهد بود که عنوان مجرمانه خاصی مانند سب النبی یا ارتداد پیدا نکند، بنابراین تفکیک میان این عناوین نیز مهم است. بنابراین، توهین به هر آنچه که از دیدگاه اسلام در شمار مسائل ضروری و مطلق قرار گیرد، جرم است. ماده ۵۱۳ اصطلاح مقدسات اسلامی را بصورت کلی و عام بیان کرده و تعبیر روشنی از آن ارائه نکرده است، بنابراین قضات باید به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی در جهت رفع اجمال قانون به منابع شرعی مراجعه کنند.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت توهین دایره وسیعی دارد که ناسزا، لعن، قذف، افترا، و واژگانی از این قبیل را در خود گنجانده است. بنابراین، ممکن است لفظی اهانت باشد و قذف هم باشد و نیز باید گفت که دشنام و قذف اخص از اهانت هستند، ولی قذف از مصادیق بارز اهانت است. همچنین، قذف اخص از افترا هم هست، اما معنای جامع همه این واژه‌ها

تحقق اهانت و ایذاء به ساحت پیامبر (ص) و ائمه (ع) است.

نظام حقوقی عربستان سعودی برگرفته از یکی از مذاهب اسلامی بنام فقه حنبلی می باشد، به طوری که از سایر مذاهب اسلامی نیز قوانین آن کشور بی بهره نبوده است. مجازات برای توهین به مقدسات در عربستان شامل حبس، جریمه، شلاق و ممکن است شامل اعدام نیز بشود. به طور کلی باید گفت که دو کشور ایران و عربستان با توجه به اینکه از منابع اسلامی بهره می گیرند، در مورد توهین به مقدسات با عنایت بر فقه و فتاوی فقها مجازات های متفاوتی را حسب مورد در نظر می گیرند و البته، ایران در این راستا از قوانین مدونی برخوردار است و امید می رود که ابهامات از قوانین ایران زدوده گردد و در مورد کشور عربستان هم بر مبنای اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها قوانین مدون در این راستا تصویب کنند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی:

- آقایی نیا، حسین (۱۳۹۶). *جرایم علیه اشخاص (جنایات)*؛ تهران: انتشارات میزان، چاپ شانزدهم.
- آقایی نیا، حسین (۱۳۸۶). *جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)*؛ تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم.
- بهمن پوری، عبدالله و حقانی خواه، حسین (۱۳۹۷). *تحلیل جرم سب النبی در فقه اسلامی و قوانین کیفری*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- بهمن پوری، عبدالله؛ حقانی خواه، حسین و علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل (۱۳۹۸). *معناشناسی سب النبی (ص) و نحوه تحقق آن با نگاه به قانون مجازات اسلامی ۹۲*، فصلنامه فقه و اصول، سال پنجاه و یکم، شماره ۵۱.
- پیمانی، ضیاء الدین (۱۳۹۲). *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ نهم.
- توکلی، فاطمه و آقابابایی، حسین و شاه ملک پور، حسن (۱۳۹۴). *مبانی دینی و اصول جرم‌انگاری توهین به مقدسات و چالش‌های فرارو، پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال ششم، شماره ۲.
- چاوشی، سید حسن و احمدی، سید محمد مهدی (۱۳۹۱). *بررسی حکم هتک حرمت مقدسات در فقه اسلامی، مطالعات فقهی و فلسفی*، شماره ۱۱.
- خدادادی، اشرف و داداش‌نژاد، داود (۱۳۹۷). *توهین به مقدسات در اسناد بین‌المللی، قوانین موضوعه برخی از کشورها از جمله ایران و متون فقهی*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
- شکری، رضا (۱۳۹۶). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، جلد اول، تهران: انتشارات مهاجر، چاپ سوم.
- دهقانی عقیفی، ناهید (۱۳۹۹). *سب و فحاشی در فقه (با بررسی آیه ۱۰۸ سوره نعام)*، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال یازدهم، شماره ۴۳.
- رهامی، محسن و پرویزی، سیروس (۱۳۹۲). *اهانت به مقدسات دینی در حقوق کیفری ایران و انگلستان*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۱.

- رهامی، محسن (۱۳۸۷). *جرایم بدون بزه دیده*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
- قیاسی، جلال الدین؛ ساریخانی، عادل و خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۹۱). *مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)*، جلد دوم: ارکان جرم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۹۱). *پاسخ به پرسش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس*، تهران: انتشارات مجلس، چاپ اول.
- منصورآبادی، عباس (۱۳۹۴). *حقوق کیفری عمومی، کلیات حقوق کیفری و پدیده مجرمانه*، جلد اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). *جرایم علیه اشخاص*، تهران: انتشارات میزان، چاپ یازدهم.
- هاشمی، کامران (۲۰۰۸م). *آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر و موضوع توهین به ادیان*، نشر کمیسیون حقوق بشر اسلامی.

ب. منابع عربی:

- ابن قیم جوزیه، شمس‌الدین (۱۹۹۳م). *اعلام الموقعین عن رب العالمین*، ج ۱ و ۴، بیروت: دارالحدیث.
- العدوی المالکی، علی الصعیدی (۱۴۱۲ق). *حاشیة العدوی*، جلد دوم، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- الکاشارنی ابوبکر، علاء‌الدین (۱۹۸۲م). *بدائع الصنائع*، جلد ۷، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم.
- المقدسی، عبد الرحمان بن قدامه (بی تا). *الشرح الکبیر*، ج ۱۰، بیروت: دارالکتاب العربی، بی تا، چاپ دوم.
- شربینی خطیب، محمد (۱۴۰۵ق). *مغنی المحتاج*، ج ۴، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۵ق، چاپ اول.
- لاری، سید عبدالحسین (۱۴۱۸ق). *التعلیقه علی المکاسب*، قم: شط المعارف الاسلامیه.
- محمصانی، صبحی و محمد الخطیب، محمد (۱۹۶۲م). *الاولیاء التشريعیة فی الدول العربیة؛ ماضیها و حاضرها*، بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الثانية.
- مرداوی، علی بن سلیمان (۱۴۲۱ق). *التحبییر شرح التحرییر فی اصول الفقه*، ج ۵، الرياض: مكتبة الرشد.